

جهان‌شاه صارمی



برومند،

حافظ

و

استاد

موسیقی

آموزش موسیقی سنتی ایران در دوران معاصر در سایه همت سه استاد بی نظیر، مرحوم عبداللہ دوامی، مرحوم علی اکبر شهنازی و شادروان نورعلی برومند پا گرفته و هریک از این استادان شاگردان بسیاری را پروراندند. این سه استاد ناقل سه ردیف معتبر به نسل پس از خود بودند. اگر این سه استاد مرحوم استاد ابوالحسن صبا، متعهدانه تمام عمرشان را صرف آموزش ردیف‌های سنتی ایران و شیوه‌های اجرایی آن نمی‌کردند، ردیف موسیقی که غنی‌ترین پشتوانه فرهنگ موسیقی این مرز و بوم است، شاید که دستخوش فراموشی می‌شد. اهمیت کار استاد نورعلی برومند به‌مثابه تنها حلقه رابط میان استادان قدیم (میرزا عبداللہ، درویش‌خان، حبیب‌ساعی و...) و موسیقی سنتی امروز به‌این دلیل نیز برجسته می‌شود که او زمانی از ارزش‌های موسیقی اصیل ایرانی سخن به میان آورد که موسیقی مبتذل غربی و شرقی در اوج خود بود. استاد نورعلی برومند در بهمن ماه ۵۶ درگذشت. آنچه می‌آید یادواره‌ایست از یکی از اساتید بزرگ موسیقی ایرانی.

من که بچه کوچکی بودم از این نغمات لذت می‌بردم و در من تاثیر بسیار می‌نمود. پدرم عادت داشت هر سال در فصل باز شدن شکوفه‌های گل محمدی مهمانی بزرگی را به نام "گلریزان" به افتخار مرحوم ظهیرالدوله تدارک ببیند. این معاشرت برای من که طفل کوچکی بودم بسیار دل‌انگیز بود و از همان دوران کودکی صدای ساز در گوشم بود و از نواختن ضرب لذت می‌بردم و به همین خاطر گلدانی را پوست کشیده و به تمرین پرداختم، روزی در منزل پدرم میهمانی بود و در آن مجلس عارف قزوینی نیز شرکت داشت و می‌خواستند که کسی با خواندن عارف تنبک بزند، پسرعمویم گفت: نوری بلد است. همه تعجب کردند تا بالاخره تنبک را به دست من دادند و من عارف را همراهی کردم و در پایان عارف دست‌های کوچک مرا بوسید."

نورعلی برومند به سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران متولد شد. فرزند خانواده‌ای مرفه بود که در تهران و اصفهان نام و نشان به سرانی داشت. پدرش عبدالوهاب برومند، جواهرشانی هنرمندی بود و گرچه خود سازی نمی‌نواخت، صمیمانه به موسیقی عشق می‌ورزید. دایه‌های او هم به نواختن ساز آشنایی داشتند. استاد نورعلی برومند از زمان کودکی با ساز و نوای موسیقی اساتید دوران مانند اسمعیل‌زاده (استاد کمانچه)، سماع منصور (استاد سنتور)، طاهرزاده (استاد آواز)، عارف قزوینی (تصنیف‌سرا) و از همه مهمتر درویش‌خان (۱) (استاد تار و سه‌تار) آشنا شد. این اساتید در مجالس خصوصی که در خانه برومند بزرگ برپا می‌شد، حضور می‌یافتند و با بداهه‌نوازی قطعاتی اجرا می‌کردند. در آن روزگار این‌گونه مجالس تنها جایی بود که همزمان با اجرای "کنسرت" به شکل غربی توسط عارف، امکان تجمع و هنرنمایی موسیقی‌دانان سنتی را به‌طور خصوصی فراهم می‌کرد. برومند در این مورد می‌گوید: "همیشه در باغ منظرمان عده‌ای از هنرمندان، به اجرای موسیقی می‌پرداختند.

برومند از ۷ سالگی با نواختن ضرب آشنا شد. در تابستان سال ۱۲۹۸ شمسی در حالی که برومند بیش از ۱۳ سال نداشت، پدرش به او پیشنهاد می‌کند که در تعطیلات تابستان، بهتر است به تعلیم خوشنویسی و یا نزد

درویش خان به فراگیری موسیقی بپردازد. برومند جوان موسیقی را انتخاب می‌کند و پس از سه سال شاگردی نزد درویش خان، تمام ردیف‌های مقدماتی استادش را فرا می‌گیرد. برومند هفته‌ای دو بار و هر بار نیم ساعت از محضر درویش خان استفاده می‌کرد. از میان هم‌شاگردی‌های معروف برومند در کلاس درویش خان از ابوالحسن صبا می‌توان نام برد که درویش خان آنها را دو تا کوچولو می‌نامید. در شانزده سالگی برای تحصیل عازم آلمان شد. در آلمان در خانواده یک طبیب آلمانی زندگی می‌کرد و با وجود اینکه از ایران سه تار را با خود همراه برده بود، هیچ‌وقت آن را مورد استفاده قرار نداد. در آلمان به موسیقی اروپایی علاقه‌مند شد و دو سال تمرین پیانو کرد و با سبک‌های مختلف اروپایی آشنایی پیدا کرد. برومند پس از دریافت دیپلم در ۲۲ سالگی برای اقامت یکساله به ایران بازگشت. در این سال (۱۳۰۷ شمسی) استاد اولیه برومند یعنی درویش خان دیگر زنده نبود و او ناگزیر به مکتب موسیقی وزیر روی آورد. برومند بعدها کار خود را با موسی معروفی فقط در زمینه ردیف‌های درویش خان ادامه داد و یکسال نزد او که خود ردیف تار و سه‌تار را از درویش خان فرا گرفته بود کار کرد. معروفی کار نت‌نویسی برای موسیقی ایرانی را نیز به برومند آموخت.

برومند با تمام علاقه‌ای که به موسیقی ایرانی داشت طبق تمایل پدرش می‌بایست به دنبال حرفه دیگری برود. در ۲۳ سالگی برای تحصیل طب به برلین بازگشت. و پس از سه سال امتحان اصلی (فیزیگ) را گذراند. هنگام گذراندن آخرین امتحانات دوره طب، دچار بیماری چشم شد و طبق نظر متخصصان آلمانی و بلژیکی از گذراندن آخرین امتحان پزشکی بازداشته شد و بدین ترتیب حرفه پزشکی و بینایی‌اش را از دست داد و در ۱۳۱۷ به ایران بازگشت، فاجعه بینایی و بازگشت او، به تعیین نقطه عطفی در رجعت او به سوی فرهنگ ایرانی بود. استاد برومند در سی سال اول زندگی هدفی دوگانه را دنبال می‌کرد. فرا گرفتن سنت موسیقی ایرانی و پی‌گیری موسیقی غربی. اما از این دوران به بعد زندگی برومند وقف موسیقی ایرانی شد و در طول زندگی پربارش به آموختن و آموزش دادن موسیقی پرداخت. خود او در این مورد می‌گوید: "زندگی من از تاریخ فوت پدرم که تقریباً با آخرین مراجعتم توأم بود. بسیار تغییر کرد، چرا که دیگر بینایی خود را از دست داده بودم و به این خاطر با دنیای موسیقی بیشتر خلوت نمودم و همین خلوت دل بود که مرا به موسیقی واقعی نزدیک‌تر کرد و یار و همدم تنهایی من شد." استاد ابتدا از درآمد خانوادگی زندگی می‌کرد. اما از آنجا که به زبان و ادبیات آلمانی آشنایی کامل داشت، به تدریس در این زمینه پرداخت. برومند پس از بازگشت به ایران، به آموختن سه‌تار

نزد "مصمص الدوله" که از شاگردان و دوستان درویش خان بود همت گماشت و ردیف استادان سه‌تار را نیز فرا گرفت. و پس از آن نزد ابوالحسن صبا، حسین هنگ آفرین و فروغ ضریبی‌ها، پیش درآمدها، رنگ‌ها و قطعات قدیمی را آموخت. بعدها با تشویق رکن‌الدین مختاری به یادگیری سنتور پرداخت. پس از شنیدن سنتور حبیب سماعی شیفته این ساز شد و حبیب را به استادی برگزید. برومند در این مورد می‌گفت "عده‌ای از رفقا حبیب را مجبور به ایجاد یک کلاس جهت تعلیم سنتور کردند. خیلی‌ها نزد او می‌رفتند ولی کسی نمی‌توانست دوام بیاورد زیرا او عصبانی می‌شد و اگر احساس می‌کرد کسی استعداد ندارد با او کار نمی‌کرد. وقتی حبیب کلاس خود را باز کرد، در ابتدا من به کلاس او نمی‌رفتم و نزد ابوالحسن صبا به یادگیری مشغول بودم تا اینکه رکن‌الدین مختاری که علاوه بر سمت اداری، یک موسیقی‌دان درجه یک بود و کمتر به مجلسی می‌رفت، شی به‌خانه ما آمد و چون به حبیب خیلی علاقه داشت او نیز آمده بود. همان شب بود که مختاری به من گفت برو پیش حبیب و سنتور کار بکن و او را ول نکن. به او گفتم که "استاد حبیب" بدخلق است. گفت: مهم نیست. من هم دستور او را گوش کردم و نزد حبیب رفتم و ۱۲ سال نزد او کار کردم." که با توجه به اخلاق تند حبیب سماعی این ممارست کار دشواری بود.

برومند در خلال تعلیماتی که از حبیب سماعی می‌گرفت مدتی را نیز به فراگیری ضربی‌ها نزد رضا روانبخش پرداخت و همچنین با ردیف‌های دیگر استادان نیز آشنایی پیدا کرد که از این میان ردیف خواننده نام‌آور "سید حسین طاهرزاده" از همه مشهورتر و با اهمیت‌تر



بود. نورعلی صدایی خوش برای خواندن نداشت، اما در تمام دیدارهایش با طاهرزاده (که در هفته چندین بار دست می‌داد) برومند استاد را در خواندن همراهی می‌کرد و تحریرهای آواز او را به دقت و در جزئیات فرا گرفت و بدینسان با "ردیف آوازی" و تفاوت‌های آن با "ردیف سازی" آشنا شد. از آنجا که سه استاد ردیف‌دان، میرزا عبدالله، آقا حسینقلی

و درویش خان دیگر در قید حیات نبودند، برومند به راهنمایی حاج آقا محمد ایرانی بر آن شد تا کلیه ردیف‌ها را نزد اسماعیل قهرمانی که از شاگردان خلیفه میرزا عبدالله بود فرا گیرد. برومند در این مورد می‌گوید "مرحوم قهرمانی هفته‌ای دو بار به منزل ما می‌آمد و با هم ردیف میرزا عبدالله را کار می‌کردیم و این عمل سالیان دراز به طول انجامید. من این ردیف‌ها را روی نوار ضبط کرده و محفوظ داشتم. البته باید بگویم که در آن موقع اسماعیل قهرمانی بسیار پیر بود و مضربش به سختی شنیده می‌شد. من با معارست فراوان آنها را تنظیم و تدوین نمودم." استاد اسماعیل قهرمانی در انتهای نوار ضبط شده ردیف‌ها، در تائید گفته‌های برومند چنین می‌گوید "گرچه نورعلی پیش اساتید قدیم کار کرده است، از من خواست تا ردیف میرزا عبدالله را کار کنیم و من آنچه داشتم در طبق اخلاص به ایشان تقدیم کردم." برومند تا سال ۱۳۴۰ شمسی در حضور مردم برنامه‌ای اجرا نمی‌کرد و کمتر به کار تدریس موسیقی می‌پرداخت مگر در چند مورد خاص که انگیزه‌ای به جز عشق مفرط به موسیقی ایرانی نداشت. به عنوان مثال جوانی با صدایی بسیار خوش اما با استعدادی اندک از شهرستان، به تهران آمد. استاد صبا او را جدی نگرفت، اما برومند که به ردیف آوازی تسلط داشت پس از یکسال کار با این شاگرد در صدا و حنجره او تغییری اساسی پدید آورد. به نظر برومند با تعلیم درست می‌توان حتی در صدا و حنجره حالتی خوشایند به وجود آورد. جوان نزد برومند به کار پرداخت اما بر خلاف نظر او به کار در رادیو پرداخت و برومند شاگرد جوانش را از خود راند. برومند در این مورد می‌گوید "اگرچه جوان خوش‌آواز آن روز، خواننده امروز به حساب می‌آید، اما دیگر نمی‌تواند بخواند و استعدادش پاک شده است." بیشتر آنهایی که خواهان همکاری با برومند بودند در جریان کار وادارند و از آن پس استاد درها را به روی خود بست و از جمع باران ناموافق کناره گرفت. از سال ۱۳۴۴ (سال مرگ محجوبی، موسی معروفی و روح‌الله خالقی) که دیگر زمان کار فردی در زمینه موسیقی ایرانی به پایان رسیده بود، برومند پلی شد بین استادان قدیم و جوانان روشنفکر و نوگرا. در همین سال‌ها تصمیم بر آن شد که برای موسیقی ایرانی جایی در بخش موسیقی دانشگاه تهران در نظر گرفته شود. برومند به عنوان استاد اول ردیف، توسط دکتر مهدی برکشلی (فیزیکی‌دان و موسیقی‌دان) به کار فرا خوانده شد. در ابتدای کار استاد، ردیف و تجربیات شخصی خود را در زمینه موسیقی ایرانی با همان شگردها و راه و رسم و تدریس دوران جوانی‌اش به شاگردان خود می‌آموخت. در شروع کار به طور نیمه وقت و از سال ۱۳۴۹ به سمت استادی و به طور تمام وقت به کارش ادامه داد و از آن پس تغییراتی آشکار در نحوه تدریس

اوپدید آمد و توانست با تربیت صحیح شاگردان دوره لیسانس موسیقی دانشگاه تهران، موسیقی دانان و نوازندگان ارزنده‌ای را به جامعه تحویل دهد. در همین ایام برای ایراد چند سخنرانی به مدت چند هفته به دانشگاه ایلی نوبز امریکا دعوت شد که با استقبال فراوان روبرو گشت.



استاد برومند در جوانی ردیف‌های سایر اساتید را نیز شنیده بود و معتقد بود که اغلب آنها شباهت زیادی بهم داشته‌اند چرا که در آن زمان انحراف از ردیف، آنچنان مورد قبول نبوده است. به اعتقاد او اساتدان پیش از درویش خان (میرزا عبدالله، آقا حسینقلی) دارای ردیف کاملاً "جا افتاده‌ای بودند که نسل بعدی یعنی نسل درویش خان از قابلیت انعطاف و امکان بداهه‌نوازی آن بهره گرفته‌اند. در آن زمان کوشش‌های چند جانبه‌ای برای تعلیم نت نویسی در ایران در جریان بود. اگرچه بعضی از اساتید دوره قبل از درویش خان نیز در بعضی ساخته‌های ضربی خود از نت‌نویسی استفاده می‌کردند، به نت در آوردن ردیف موسیقی ایرانی که غیرضربی است و تا اندازه‌ای بستگی به سلیقه نوازنده دارد تا سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ به تعویق افتاد و بعدها استاد ابوالحسن صبا و استاد موسی معروفی به نوشتن ردیف‌های خود با نت پرداختند که به‌زعم استاد برومند، ردیف معروفی از نظر فن و اصول ردیف‌نویسی، صحیح نیست. برومند ضمن کار با معروفی می‌کوشید تا از ردیف به نت در آمده پرهیز کند. چرا که به نظر او نت نویسی بر موسیقی سنتی ایرانی، اثر نامطلوب و ناخوشایندی می‌گذارد. به عقیده برومند ردیف موسیقی ایرانی را تنها با روش پرزحمت شنیدن مداوم و از راه گوش و به خاطر سپردن آن می‌توان فرا گرفت. این موضوعی بود که همیشه به شاگردانش تذکر می‌داد. این عقیده مبتنی بود بر ویژگی‌های فنی ردیف موسیقی ایرانی و به‌طور کلی اصول فلسفی موسیقی ایرانی برومند. با استفاده از نت نویسی به عنوان یک وسیله کمک آموزشی مخالفتی نداشت و عقیده داشت فقط همنشینی با استاد و شنیدن ساز او، امر انتقال حسی را تسریع و خلاقیت را افزون می‌کند. به نظر برومند هیچ خواننده موسیقی ایرانی نباید یک تحریر را دو بار تکرار کند. اصل تکرار نکردن تحریر در موسیقی ایرانی در مقایسه با خواندن بلبل وضع شده است این پرتده در خواندن هیچگاه یک تحریر را دو بار تکرار نمی‌کند. به اعتقاد برومند کسی که در خواندن بلبل دقیق نشده باشد، نمی‌تواند در موسیقی اصیل ایرانی معنای تحریر را درک کند. برومند از قول طاهرزاده نقل می‌کرد "جمله بندی آواز و ساز باید همچون نشانند نگین جواهر از آنچنان دقت و نظمی برخوردار باشند که بتواند در عین حال ذوق شنونده را



از نظر زیباشناسی موسیقی پرورش دهد". شیوه نوازندگی استاد نورعلی برومند در پیوند با شیوه آقا حسینقلی، میرزا عبدالله و سماع حضور شکل و قوام یافته بود. استاد، تار و سه‌تار و سنتورنوازی را از شاگردان ایشان چون درویش خان، صبا و حبیب سماعی به صورت سینه به سینه فرا گرفت. از آنجا که هیچ‌یک از شاگردان این مکاتب جدا از خلاقیت فردی خویش در شیوه متاخرین تغییری پدید نیاورده بودند، برومند را می‌توان تنها وارث و اشاعه‌دهنده این مکاتب دانست. با تسلطی که استاد به ردیف‌های قدیمی ایرانی داشت، انتخاب جملات، تداوم و ساختمان بداهه‌نوازی همچون آوازی با صلابت در شنونده حرفه‌ای موثر می‌افتاد. شفافیت نغمه‌ها، تداوم ریز، استفاده از مضارب‌های چپ و راست، تنوع تحریر و به‌کارگیری تمام تکنیک‌های قدیمی مجموعه یک پارچه‌ای را به وجود می‌آورد که حذف یک فراز و یا حتی یک مضرب‌ساز استاد از آن امکان‌پذیر نبوده. اصولاً "در سنت موسیقی ایران کسانی قادر به تنظیم ردیف می‌شدند که در مرمت کردن و بازسازی و افزودن گوشه‌ها و حالت‌های جدید تسلط کافی داشتند و برومند استادی از این دست بود. ارزش‌های ساز برومند که نشانگر عمق و پیچیدگی تکنیک او می‌باشد عبارتند از: ۱- جمله بندی ۲- تداوم و تکریرها ۳- ترکیب و انتخاب راست و چپ در جمله‌ها ۴- تکیه بر مضارب‌های مختلف ۵- تنوع تحریرها و استفاده از مضارب سینه‌مال ۶- استفاده از دراب و شلال ۷- استفاده از سکوت‌های بین جمله‌ها ۸- بهره‌گیری از ردیف آوازی خاصه شیوه طاهرزاده ۹- اهمیت دادن به ضرب قطعه‌ها و ردیف‌ها ۱۰- بداهه‌نوازی بر پایه ردیف ۱۱- اهمیت دادن به جواب آواز و همراهی با ضرب. استاد برومند در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد موسیقی سنتی ایران اظهار می‌دارد که موسیقی سنتی

ایران و به‌طور کلی موسیقی شرق بیان‌کننده عرفان و فلسفه شرق است. همانگونه که درک شعر فارسی برای اروپائیان با توجه به زبان و فرهنگشان دشوار است، درک موسیقی ایرانی نیز سهل‌تر از درک سمبل‌ها، اشارات، ایمازها و تخیل‌های شعری نیست. آنتیت و پیچیده بودن روند آفرینشگری و بداهه‌نوازی در ذهن هنرمند این دیار امری ساده نبود و نیست. از دیگر خدمات برومند می‌توان به تاسیس بخش سنتی گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا با عنوان کرسی استادی دانشگاه تهران، تاسیس مرکز حفظ و اشاعه موسیقی (با کمک دکتر داریوش صفوت) و تدریس در آن و دعوت اساتید دیگر جهت همکاری در این مرکز، همکاری فعال با شادروان روح‌الله خالقی در تدوین کتاب سرگذشت موسیقی ایران، تشکیل آزمون یارید، ضبط ردیف میرزا عبدالله برای تکثیر برای هنرجویان و هنرآموزان، ضبط ردیف‌های استاد طاهرزاده با صدای خود ایشان به همراهی سه‌تار، جمع‌آوری تصانیف و اشعار و ضبط آثار قدیمی، تربیت شاگردان دوره لیسانس موسیقی دانشگاه تهران و... اشاره کرد. نقش استاد در مرکز حفظ و اشاعه محتاج بررسی جداگانه‌ای است. از جمله کسانی که از استاد بهره‌گرفتند می‌توان از استادانی چون: محمدرضا لطفی، مجید کیانی، محمدرضا شجریان، حسین علیزاده و داریوش طلایی نام برد. برومند هیچگاه به تواختن موسیقی در برابر مردم رضایت نداد، مگر در حضور یاران همراهی و همچنین خوش نداشت در محفل و ضیافتی که بیش از شش یا هشت نفر گرد هم بیایند، موسیقی بنوازد. او علاوه بر استادی در موسیقی در زمینه ادبیات و شعر فارسی نیز مطالعات بسیار داشت و گاهی نیز اشعاری می‌سرود. استاد برومند در بهمن ماه ۱۳۵۶ در سن ۷۱ سالگی بر اثر سکته قلبی زندگی را بدرود گفت. پیکر شادروان نورعلی برومند در جوار هنرمندان بزرگی چون طاهرزاده، ابوالحسن صبا، درویش‌خان و... در قبرستان ظهیرالدوله در مقبره خانوادگیش به خاک سپرده شد.

منابع:

- ۱- "نورعلی برومند، استاد موسیقی" نوشته پروفیسور برونوتل، استاد موسیقی‌شناس دانشگاه ایلی نوبز امریکا. تاشا، شماره ۲۸۹، سال ششم.
- ۲- "نورعلی برومند، استاد برجسته گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران"، نوشته استاد محمدرضا لطفی، چیستا، سال دوم، شماره ۵.